

نامه سردبیر

یکی از مسائل دامنگیر اکثر محققین ایرانی، نقد ناپذیری است. اغلب ما به راحتی کارهای دیگران را نقد می‌کنیم اما زمانی که قرار باشد کارمان در معرض نقد هم‌ترازانمان قرار گیرد بسیار آشفته و ملول می‌شویم. برخی از نمادهای این روحیه را می‌توان در موارد زیر مشاهده کرد:

- در جلسات دفاعیه‌های دانشگاهی، همان استادانی که در جایگاه داور، به شدت کار دانشجو را مورد سوال قرار می‌دهند وقتی در جایگاه استاد راهنما می‌نشینند کمتر طاقت شنیدن ایرادات داوران به کار دانشجوی خود را دارند. طبعاً دانشجویان نیز با همین روحیه، نقد داور را ناشی از مشکلات شخصی وی می‌دانند و نیاموخته‌اند که اصولاً جلسه دفاع، وقتی واقعی خواهد بود که حمله‌ای در کار باشد.
- به‌عنوان سردبیر این فصلنامه، بارها تجربه کرده‌ام که همان نویسندگانی که خود در مقالاتشان حداقل استاندارد علمی را رعایت نمی‌کنند در جایگاه داور مقالات دیگران خواستار رعایت بالاترین دقت‌های علمی هستند. نویسندگان هم معمولاً ایرادات داور را رد می‌کنند و آنرا ناشی از عدم تخصص و درک صحیح مقاله خود توسط داور می‌دانند. البته متأسفانه چنین رویکردی را به هیچ وجه در برابر داوران مجلات خارجی نداریم و نظرات آنها را بسیار پخته و قوی می‌دانیم!
- در جایی که پای داوری پروپوزال‌ها و گزارش‌های تحقیقاتی یکدیگر به میان می‌آید که منجر به جابجایی مبالغی می‌شود داستان‌های تلخ دیگری پیش می‌آید که نیازی نیست به آنها بپردازیم.

در چنین فضای صلب و غیرقابل انعطافی، این شماره از فصلنامه ما شاهد یک اتفاق استثنایی بود: یک مقاله حاصل از یک تز دکترای دریافت کردیم و آنرا برای داور صاحب نامی فرستادیم. ایرادات اساسی وارده توسط داور نشان داد که تفاوت رویکرد و مکتب علمی مورد نظر طرفین است که چنین شکاف عمیقی را رقم می‌زند و لزوماً نظرات نویسندگان مقاله اصلی اشتباه نیست. این امر به تبادل چندین مقاله بین نویسنده و داور محترم انجامید که حاصل آنرا در مقالات انتهایی این شماره ملاحظه می‌کنید. رعایت ادب علمی و تحمل نظرات مقابل، درسی است که می‌توان از دو طرف این مناظره علمی آموخت. انتشار چنین چالش‌های علمی، تا به حال در جملات پژوهشی کشور ما مرسوم نبوده و امیدواریم که توانسته باشیم با این کار، گامی در جهت آزاد اندیشی علمی برداریم.